

عنوان

راهکارهای محبت به فرزندان و تأثیر آن در بهبود روابط اجتماعی

نجمه ادیبی لاریجانی^۱

۱۳۹۸

^۱سطح دو، مدرسه علمیه حضرت آمنه(سلام الله علیها)، anvarishayan@gmail.com

چکیده

یکی از راه های بهبود روابط اجتماعی محبت کردن به فرزندان می باشد که از آغاز کودکی و از درون خانواده شروع می شود .

هدف این مقاله بررسی تاثیر محبت در تربیت کودکان و نقش آن در بهبود روابط اجتماعی آنان است در این زمینه راهکارهای محبت از سوی اسلام و روانشناسان تبیین شده و تاثیر محبت مورد بررسی قرار گرفته است.

برخی از یافته های این پژوهش اشاره بر این دارد که تأثیر محبت صحیح در مراحل رشد متفاوت است هر چند بر محبت در تمام مراحل تاکید فراوان شده است.

محبت همانندسازی و پیروی فرزندان را به دنبال دارد و موجب درونی شدن ارزشهای اسلامی می گردد. به طور معمول در کودکانی که والدین آنها مومن و متعهد بوده و با این روش تربیت شوند ، خود به خود روابط اجتماعی خوبی وجود خواهد داشت.

واژگان کلیدی: فرزند، خانواده، آثار محبت.

مقدمه

یکی از عواملی که موجب پیشرفت در فرزندان می شود محبت به آنها است. این تامین محبت از طرف خانواده ها موضوع مهمی است که ذهن مسئولان تربیتی را به خود مشغول کرده است زیرا خانواده یکی از مهمترین و اصلی ترین کانون های تامین این نیاز و از عوامل تاثیرگذار محیطی در تربیت فرزندان می باشد.

تعالی خانواده، تکامل انسان موحد را به همراه دارد. در دنیای کنونی هجمه شدیدی بر علیه کانون خانواده در جهت فروپاشی این کانون حیاتی صورت می گیرد از سویی دیگر افراد پرورش یافته در خانواده های سالم، تأثیر زیادی بر اجتماع دارند. همین امر، مسئولین تربیتی را برای ایجاد چنین خانواده هایی و پرورش چنین افرادی برانگیخته است چرا که حضور اجتماعی افراد متعادل و رشد یافته در خانواده های سالم، در فرآیند توسعه جامعه در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی باعث رشد و بالندگی آن جامعه می شود. از این رو لازم است به آموزش خانواده ها و آگاه نمودن آنها نسبت به شیوه های مناسب تربیتی و استفاده از ابزار محبت در برخورد با فرزندان اقدام نمود.

کتاب ها و مقالات تربیتی متعددی در زمینه نقش محبت در تربیت فرزند نگاشته شده است از جمله مقاله "بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و اختلال های عاطفی رفتاری جوانان" توسط خانم ها مریم وفایی و مریم روشن. ولی این مقاله به صورت وسیع تر و کاربردی به بررسی حقوق فرزندان، جایگاه و اهمیت خانواده در رعایت این حقوق، ضرورت محبت و همچنین آثار ناشی از محبت در جنبه جسمی، روانی، اجتماعی، عاطفی، تحصیلی و عزت نفس می پردازد.

این مقاله پاسخگوی سؤال ذیل است:

سؤال اصلی: نقش محبت به فرزند در ایجاد و بهبود روابط سالم اجتماعی چیست؟

سؤال فرعی: ۱. فرزند چه حقی بر والدین دارد؟ ۲. راه های ابراز محبت کدام است؟

جایگاه فرزند در اسلام

فرزند عطیه و موهبتی الهی است و نعمتی است که خود، منشاء نعمت های بی شمار دیگر می باشد. وجود فرزند در خانه فضای آن را از خیر و برکت و مهر و مودت لبریز می کند. رابطه معنوی و الهی والدین و فرزندان هر دو را از رحمت های واسعه ربوبی بهره مند می گرداند.^۱ در این باره روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله نقل شده است پیامبر بزرگوار اسلام به ابن عباس فرمود: ای ابن عباس خانه ای که در آن کودکی نباشد خیر و برکت ندارد.^۲

از حسن بصری نقل شده است که می گفت فرزند، بد چیزی است اگر زنده بماند رنجور می کند و چون بمیرد مرگش بی تاب و ناتوان می سازد این سخن به گوش امام سجاد علیه السلام رسید ایشان فرمودند: به خدا قسم دروغ گفت فرزند، بهترین نعمت است اگر بماند دعایی است حاضر و چون بمیرد شفاعت کننده ای است که انسان او را پیشاپیش می فرستد.^۳

داشتن فرزند صالح آرزویی است که حتی پیران کهنسال فاقد فرزند هم آن را در سر می پروراند همچنانکه حضرت ابراهیم علیه السلام در سن ۹۰ سالگی از خدای متعال طلب فرزند نمود و دعایش به استجابت رسید فرزند پاره تن والدین و گلی از گلهای بهشت است که در خانه آنها روئیده مایه بخشودگی در درگاه الهی و مفتوح ماندن نامه اعمال نیک و سبب برداشته شدن عذاب های برزخی اذان ها در عالم قبر است با چنین نگرشی به فرزندان چگونه می توان نسبت به شخصیت و نیازهای آنها و تربیت و شکوفایی استعدادهایشان کوتاهی، غفلت و سهل انگاری نمود.^۴

اهتمام و عنایت هرچه بیشتر والدین به امور فرزندان خویش آثار سودمند و پر برکتی در زندگی دنیا و سرنوشت اخروی هر دو پدید خواهد آورد و عکس آن نیز آثار تباہ کننده ای در پی خواهد داشت.

^۱ محمد جواد طبسی حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت صفحه ۳۲

^۲ کنز العمال جلد ۱۶ صفحه ۲۸۱

^۳ مستدرک الوسائل جلد ۱۵ صفحه ۱۱۲

^۴ محمد جواد طبسی حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت صفحه ۳۳

کوتاهی کردن نسبت به حقوق فرزندان و ترک مسئولیت و عدم جدیت در تربیت و بالندگی آنان و بی توجهی به رشد انسانی و بلوغ ایمانی و شکوفایی فرهنگی فرزندان سرانجامی جز رکود و عقب ماندگی و کجروی و بی شخصیتی فرزندان و بدنامی والدین و تیرگی زندگی دنیوی و تباهی سرنوشت ابدی نخواهد بود.^۱

حقوق فرزند

با توجه به روایاتی که در باب جایگاه فرزند بیان شد درمی یابیم که والدین در قبال فرزندان وظیفه و مسئولیتی بزرگ و سنگین دارند که هرگز نمی توان آن را نادیده گرفت و نسبت به آن کوتاهی نمود. عده‌ای از والدین تصور می کنند که تنها خودشان برگردن فرزندان حق دارند اما فرزندان هیچ حقی ندارند ولی باید دانست حقی که فرزندان بر گردن پدر و مادر دارند کمتر از حق آنها بر فرزندان نیست. در حقیقت این والدین هستند که با تربیت صحیح، شالوده زندگی بچه‌هایشان را بنا می نهند و سرنوشت آنان را رقم می زنند.^۲

در صدر اسلام نیز برخی از یاران پیامبر صلی الله چنین تصویری داشتند پیامبر صلی الله علیه وآله در جواب سوال ابورافع که گفت مگر فرزندان بر ما حقی دارند همانگونه که ما بر آنها حق داریم؟! فرمودند: آری.^۳

یکی از مهمترین حقوق فرزندان حق تربیت است. تعهد به مراعات کامل و همه جانبه حقوق کودکان در تربیت به معنای محترم شمردن این حق از جانب حکومت و والدین و کوشش در تحقق همه جانبه آن و پرهیز از نقص جزئی در آن است. حکومت گذشته از آنکه باید چنین حقی را به صراحت در قوانین خود به رسمیت بشناسد باید نسبت به فراهم آوردن زمینه ها و امکانات لازم برای تحقق این حقوق اقدام نماید. بنابراین وظیفه حکومت صرفاً به اینکه حق تعلیم و تربیت نباید از کودکان سلب شود محدود نمی شود بلکه وظیفه مهم فراهم آوردن موجبات تحقق این حق، متوجه حکومت است. لازمه وظیفه حکومت آن است که حق والدین را در تربیت کودک به رسمیت شناخته و آنها را به رعایت این مهم تشویق نماید و زمینه های لازم را برای اعمال چنین حقی فراهم آورد.^۴

حکومت و خانواده به عنوان دو متولی مهم تربیت کودک و ذی حق در این مهم، علاوه بر این که موظف به فراهم آوردن امکانات و وسایل و منابع لازم برای تربیت کودک و اهتمام به تحقق این حق مهم و حیاتی کودک

^۱ محمد جواد طبسی حقوق فرزندان در مکتی اهل بیت صفحه ۳۶

^۲ همان

^۳ کنزالعمال جلد ۱۶ صفحه ۴۴۴

^۴ محمدعلی حاجی ده آبادی حقوق تربیتی کودک در اسلام صفحه ۴۴

هستند، لازم است بر عملکرد یکدیگر مراقبت و نظارت نیز داشته باشند تا حق کودک در تربیت صحیح و همه جانبه نقض نگردد.^۱

اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق کودک بر ضرورت محبت و مهرورزی به کودک توصیه کرده است «کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضایی پر از محبت در امنیت اخلاقی و مادی پرورش یابد. کودک خردسال را به جز در موارد استثنایی نباید از مادر جدا کرد»^۲

یکی دیگر از حقوق کودکان حقوق عاطفی است. تربیت عاطفی کودک علاوه بر فراهم کردن روابط عاطفی مطلوب نیازمند آموزش ها و ارائه اطلاعات و بینش های لازم در مورد جایگاه و پیامدها و تبعات و نتایج عواطف و نیز چگونگی و میزان بروز و ظهور آنهاست. مثلاً کودک علاوه بر آن که خود نیازمند شادی است باید از نتایج و ثمرات شاد کردن دیگران با اطلاع باشد چرا که این بینش زمینه ساز و جهت دهنده رفتارهای او است به علاوه کودک باید بداند که مسرور ساختن کدام دسته از مردم برای خداوند مطلوب تر و ارزش و رجحان بیشتری دارد تا در پرتو این آگاهی به جهت دهی عواطف خویش بپردازد. اسلام به حقوق تربیتی کودکان در همه ابعاد توجه کرده که این حقوق بر واقعیاتی استوار است که برخی از آنها در متون اسلامی بیان شده است.

کمتر انسان منصفی است که گزاره های موجود در متون اسلامی را که حکایت از گفتار و رفتار پیشینیان دارد دیده و با مقایسه آنچه در دیروز و امروز غرب وجود دارد در پیش قدمی و برتری اسلام در پذیرش حق تربیت عاطفی کودکان تردیدی روا دارد.

امروزه نیز علیرغم تلاش هایی که حقوقدانان و مجامع علمی غرب درباره داشتن روابط عاطفی مطلوب با کودک و پذیرش حق تربیت عاطفی کودک انجام داده اند، رویه قانونگذاری و عملی موجود در غرب خود، ناقض چنین حقی است مثلاً آنچه در ماده ۲۲ کنوانسیون حقوق کودک درباره اعطای پناهندگی به کودک همراه با والدین خود یا جز آن به رسمیت شناخته در واقع با ظاهری بشردوستانه کودک را از روابط عاطفی سالم با والدین و خانواده خویش محروم می سازد.^۳

^۱ محمدعلی حاجی ده آبادی حقوق تربیتی کودک در اسلام صفحه ۴۶

^۲ ناصرزاده اعلامیه های حقوق بشر صفحه ۶۰

^۳ آذربایجانی نقد تربیتی کنوانسیون حقوق کودک فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان شماره ۱۶ صفحه ۲۲

این در حالی است که متون اسلامی با عنایت به نقش مهم دلبستگی و ارتباط عاطفی با کودک به تقویت بینش‌ها و نگرش‌های زمینه ساز این مهم و توصیه‌ها و دستورهای بسیار مهمی مبادرت کرده و نه تنها والدین را به عشق ورزی و محبت به کودکان سفارش نموده بلکه فرزندان را از حقوق والدین خود آگاه ساخته و تکالیفی جهت مهرورزی متقابل نسبت به والدین خود، متوجه آنان ساخته است. برای تحمل مشکلات و آسیب‌های پیش رو مانند بارداری و مسئولیت و مشکلات که متوجه مادر میشود روایات جالبی به چشم می‌خورد. پیامبر اکرم صلی الله با تبیین جایگاه و ثوابی که مادر باردار دارد نگرش منفی را برطرف ساخته و او را آماده تحمل مسئولیت مادری می‌سازد ایشان می‌فرمایند: وقتی زن باردار می‌شود، پاداش او مانند روزه دار برپا کننده نماز و کسی است که با مال و جانش در راه خدا جهاد می‌کند. هنگامی که وضع حمل می‌کند کسی عظمت پاداش او را درک نمی‌کند وقتی به نوزاد شیر می‌دهد مکیدن نوزاد برای او ارزش آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل را دارد و هر گاه به طور کامل به فرزندان شیر دهد فرشته‌ای به او می‌گوید همه گناهان گذشته بخشیده شده عمل را از سر گیر.^۱

نقش خانواده در محبت به فرزند

یکی از عناصر اساسی شکل‌گیری هر جامعه خانواده است اگر چه تحولات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر تأثیرات بی‌شماری بر عملکرد خانواده ایجاد کرده و کار به جایی رسیده که برخی کشور های پیشرفته صنعتی برداشت‌های جدیدی از مفهوم خانواده پیدا کرده و رسانه‌های جمعی به این برداشت‌ها دامن زده اند اما اکثر مردم بر ضرورت وجود خانواده طبیعی به عنوان نهاد اساسی زندگی اجتماعی انسان تأکید می‌کنند. خانواده از عوامل تأثیرگذار محیطی در تربیت فرزندان است، روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و سازگاری فرزندان با شرایط مختلف اجتماعی موثر است.^۲

اهمیت دوران کودکی در بنیانگذاری شخصیت انسان و همراهی و حضور کودک در خانواده، نقش تربیتی خانواده را در میان دیگر نهاد های تربیتی به نقشی بی‌بدیل تبدیل کرده است. تا پیش از بلوغ در مجموع بیشتر این بخش عمر فرزندان در کانون خانواده و تحت نظارت آنان سپری می‌شود، روانشناسان و جامعه‌شناسان بر این اعتقاد هستند که ریشه بسیاری از انحراف های شخصیتی و اجتماعی فرزندان را باید در روش های تربیتی والدین با فرزندان جستجو کرد.

^۱ حرعاملی وسائل الشیعه جلد ۱۵ صفحه ۱۷۵

^۲ مریم وفایی، مریم روشن، بررسی رابطه عوامل پیش‌بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی‌ها و اختلال عاطفی- رفتاری نوجوانان، ص ۳.

اهمیت روش های تربیتی والدین در حدی است که می تواند رشد روانی فرزندان را در زمینه های مختلف تضمین نماید و یا بالعکس زمینه ساز انواع اختلالات روانی و ناهنجاری های فرزندان و معضلات اجتماعی شود. یکی از عوامل ایجاد مشکلات عدم آگاهی والدین نسبت به روش های مطلوب تربیتی و ایجاد ارتباط با فرزندان است، این عدم آگاهی به شکل اختلال در روش های تربیتی والدین به صورت کنترل های افراطی محبت یا به تعبیر دیگر عدم محبت متجلی میشود^۱، از این رو مطالعه عملکرد خانواده یکی از موضوعات مهم و حساس است که با زندگی تمام افراد و سرنوشت آنان ارتباط تنگاتنگ دارد و هرگز نمی توان آن را در ردیف قضایای دست دوم قرار داد که در پیشرفت جامعه نقش نداشته باشد چرا که خانواده به عنوان هسته نخستین تشکیل ساختمان جامعه به شمار می رود.

خانواده به عنوان یک کانون و مهمترین کانون تربیتی مرکب از مولفه هایی است که یکی از این مولفه ها روش های تربیتی والدین یا به عبارتی روش های مطلوب و نامطلوب والدین در برخورد با فرزندان است که نقش مهم و قابل توجهی بر رشد روانی و یا بالعکس ایجاد اختلال روانی ایفا میکند^۲. به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیاز های اساسی جسمی و روانی مانند نیاز های عاطفی ارضاء نشود به احتمال فراوان در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست می زند^۳.

خانواده نخستین مدرسه فضیلت است و با وجود مسموم شدن روز افزون فرهنگ ها در جوامع گوناگون والدین هنوز هم افراد قدرتمندی هستند که می توانند در رشد فرزندان تاثیرات عمیقی بگذارند^۴، ابعاد گوناگون اختلال های عاطفی- رفتاری کودکان سبب شده که دیدگاه ها و پژوهش های علمی زیادی در این باره متمرکز گردند، کودکانی که در معرض خطر مشکلات رفتاری، سازگاری و عاطفی هستند درصد زیادی از جوانان امروز را تشکیل می دهند^۵. از سال ۱۳۷۴ مطالعه در مورد اختلالات عاطفی- رفتاری کودکان و جوانان بیشتر شده و مطالعات نشان داده که مداخلات خانوادگی در این زمینه موثر تر از مداخلات و درمان های فردی است که این امر دال بر شکل گیری هسته این مشکلات در خانواده می باشد. عوامل خطرزای خانوادگی آسیب پذیری کودک

^۱ معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

^۲ علی قائمی، خانواده و نیازمندی های کودکان، ص ۱۲۰

^۳ فردوس میریان، اعظم پرچم، تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.

^۴ معاونت پژوهشی گروه روانشناسی قم، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۲.

^۵ مریم وفایی، مریم روشن، بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی- رفتاری نوجوانان، ص ۳.

را در برابر اختلال های عاطفی- رفتاری ایجاد می کند و آسیب پذیری به نوبه خود استعداد کودک را در بروز پیامد های منفی تحت شرایط پرخطر را توصیف می کند. از این رو اسلام که یک دین اجتماعی است و به تمام جوانب زندگی بشر پرداخته در این زمینه نیز پیش قدم بوده، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله) و اهل بیت (علیهم السلام) در تعالیمی که برای نجات بشریت داشته اند به این جنبه مهم و حیاتی که تربیت فرزند و محبت به فرزند می باشد پرداخته اند.

از نظر اسلام خانواده اولین و مهم ترین واحد اجتماعی است زیرا تشکیل خانواده سبب ادامه نسل، برقراری آرامش و تأمین نیاز های بشری می باشد، تعالی خانواده، تکامل انسان موحد را به همراه دارد، از این رو است که در سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) آمده: بنایی در اسلام پایه گذاری نشده که نزد خدا محبوب تر از ازدواج باشد^۱.

تعریف محبت

محبت به معنی دوست داشتن کسی و تکریم به معنی حب ذات و دوست داشتن خود است محبت اگر از جانب دیگران به فرد ابراز شود موجب احساس رضایت و خشنودی او می گردد.

افراد بشر در هر دوره از زندگی به محبت نیاز دارند یکی از اصلی ترین و اساسی ترین احتیاجات روانی افراد برخوردار از محبت است. اشخاص در طول زندگی با انتخاب رفیق، تشکیل خانواده یا مصاحبت با افراد و همکاران در تأمین این احتیاج اقدام می کند و اگر از محبت پدر و مادر محروم شوند با انتخاب دوستان و ایجاد آشنایی با دیگران در صدد جبران آن بر می آیند ولی بچه ها محروم شدن از محبت پدر و مادر یا وارد شدن در جمعی که خالی از محبت باشد غیر قابل تحمل می باشد.

افراد با محبت دارای ویژگی هایی مانند سخاوت و بخشندگی هستند آنها قردان محبت دیگران بوده به عهد خود وفا می کنند جواب بدی را با خوبی داده از دیگران چیزی درخواست نمی کنند و ارزش های انسانی خود را محترم می شمارند^۲

^۱ مجلسی، بحارالانوار، جلد ۴۳، ص ۵.

^۲ حسن صدیقی مازندرانی تربیت نامه فرهنگ الفبایی و موضوعی تربیت فرزند صفحه ۷۳۱

ضرورت محبت

کودکان بیش از غذای خوب لباس گرم اسباب بازی و هوای آزاد نیازمند آن هستند که مقبول والدین قرار گیرند و دوست داشته شوند و احساس کنند که به کسی تعلق دارند. محبت هسته و مرکز ثقل خانه است. محبت بزرگترین هدیه بالقوه است که پدر و مادر آن را به بچه اهدا می‌کنند. محبت ضروری حیات و رشد کودک است و از عوامل موثری است که در بهبود شیوه زندگی و سلامت روانی کودک نقش داشته و قادر است بسیاری از نابسامانی‌ها را از بین ببرد. والدین با عشق و محبت به کودک، شخصیت سالمی برای او می‌سازند و در تامین ارزشهای اساسی حیات برای او نقش فوق‌العاده‌ای ایفا می‌کنند.^۱

ضرورت و لزوم مهرورزی نسبت به کودکان به عنوان یک حق مسلم است. به تعبیر یکی از صاحب نظران تربیتی، از بین مجموعه نیازهای آدمی شاید هیچکدام به اهمیت و اعتبار نیاز عاطفی و احتیاج به مهر و محبت نباشد.^۲

اساساً محبت برای انسان نیازی طبیعی به شمار می‌رود و زندگی بدون آن سرد و خسته کننده است هر انسانی آرزومند است که محبوبه دیگران باشد و از اظهار محبت دلگرم و مسرور می‌شود این نیاز روانی مانند تامین سایر نیازهای روحی تاثیر شگرفی در ساختمان شخصیت انسان به ویژه در مراحل اولیه زندگی دارد. از نظر اسلام این تبادل محبت و مهرورزی باید از دوران کودکی آغاز و پایه ریزی شود و بهترین و برترین کسانی که باید آن را پایه‌گذاری کنند والدین هستند.^۳

اظهار محبت

محبت قلبی خواسته درونی کودک را تامین میکند کودک به محبتی نیازمند است که آثار آن را در رفتار پدر و مادر مشاهده کند محبت های قلبی پدر و مادر باید در نوازش ها بوسه ها تبسم ها و حتی آهنگ محبت آمیز سخنان پدر و مادر ظاهر شود.^۴ محبت را باید از دل به زبان و عمل آورد تا کودک آن را با تمام وجود لمس کند ممکن است پدر و مادری فرزند خود را در دل دوست داشته باشند اما اظهار نکنند این نوع محبت تاثیر مثبتی ندارد بلکه گاه تاثیر منفی گذاشته و کودک محبت والدین را احساس نمی‌کنند در نتیجه خود را تنها می‌یابد و می‌اندیشد که مورد توجه نیست بنابراین حس حقارت نسبت به خود پیدا می‌کند از این رو باید محبت به

^۱ فرهودفر ملک، محمدی علی فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی ص ۱۴۷

^۲ علی قائمی مجله پیوند ش ۱۲۲ صفحه ۹

^۳ فرهودفر ملک، محمدی علی فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی صفحه ۱۴۷

^۴ همان

فرزندان آشکار باشد کودک دوست دارد با پدر و مادر سخن بگوید، با آنان به تفریح و مهمانی رفته به سخنانش گوش دهند و پاسخگو باشند، در خانه محترم بوده و در اداره امور منزل مسئولیتی را بر عهده بگیرد و محبت قلبی پدر و مادر را از این طریق کشف کند.^۱

این ابراز محبت در سیره معصومین علیهم السلام نیز دیده می‌شود، ابو سعید می‌گوید روزی کودکی نزد پیامبر آمد در حالی که آن حضرت در سجده بود و بر پشت آن حضرت نشست، رسول خدا از روی مهر و ملاحظت او را نگه داشت و به همان حالت برخاست در حالی که هنوز کودک بر پشتش بود سپس به رکوع رفت و پس از آن کودک را رها کرد و از آنجا رفت.^۲

نیاز به محبت اختصاص به دوران کودکی ندارد بلکه انسان‌ها در دوران نوجوانی و جوانی نیز به محبت نیاز دارند. مخصوصاً در سنین جوانی که دوران بحرانی و متلاطم زندگی است بیش از سایر اوقات به محبت‌ها و دلجویی‌ها و مهربانی‌های بی‌شائبه پدر و مادر نیاز دارند. جوان حتی به نوازش‌ها و بوسه‌های پدر و مادر خود نیز علاقه دارد.^۳

اصول تکریم و محبت

تکریم و محبت به کودک محدود به افراد خاصی نیست بنابراین تمامی افرادی که با کودک سر و کار دارند باید به او محبت کنند. محبت کردن نباید مشروط باشد چون یکی از نیازهای اساسی انسان است. در ابراز محبت سن و توانایی و درک کودک را در نظر گرفته و افراط نکنیم. ابراز محبت به فرزندان باید به گونه‌ای باشد که در صورت مواجه شدن با محرومیت بتواند مشکلاتش را حل کند. به او اجازه دهیم در بعضی از مراحل زندگی محرومیت را تجربه کند این محبت باید به اندازه‌ای باشد که مانع تربیت صحیح او نشود.^۴

^۱ فرهودفر ملک، محمدی علی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی ص ۱۴۸

^۲ العیال جلد یک صفحه ۳۸۰

^۳ فرهودفر ملک، محمدی علی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی ص ۱۴۹

^۴ حسن صدری مازندرانی، تربیت نامه فرهنگ الفبایی موضوعی تربیت فرزند صفحه ۷۳۲

تعادل در محبت

یکی از اصول محبت، رعایت اعتدال است. اسلام اسراف در محبت را توصیه نمی‌کند زیرا آن را به زیان کودک می‌داند چون سبب می‌شود کودک همواره به کسی که به او محبت کرده متکی باشد و نمی‌تواند خود را از او مستقل و جدا کند ولی نباید کودک را از محبت محروم نمود زیرا کودکان نیاز به ترحم و محبت دیگران دارند.

نکته حائز اهمیت در مهرورزی و ابراز محبت، رعایت اعتدال و عدم افراط می‌باشد.

همچنان که تفریط در محبت خطرناک و آفت‌زا است و ریشه امید و نشاط و حیات را در وجود انسان می‌خشکاند، افراط در محبت نیز آن را می‌پوساند پس خشکیدن و پوسیدن، نتیجه نامطلوبی است که در هر دو روش مشترک است. تعادل و توازن در مهرورزی عامل بالندگی و رشد یافتن است. آنچه در دین سفارش شده رعایت اعتدال است.

افراط در محبت نتیجه‌اش پرتوقع بار آمدن کودک، جوانه زدن ریشه‌های خودپسندی، عجب، سرکشی کودکان در برابر حقیقت و یا بالعکس عدم اعتماد به نفس و احساس وابستگی شدید است.

صرف دوستی زیاد مشکل ایجاد نمی‌کند بلکه آنچه ناپسند و مضر است آن است که دوستی و محبت زیاد به فرزندان باعث شود والدین آنچه به مصلحت خود و فرزندان‌شان نیست انجام دهند. در واقع خود یا فرزندان را به ورطه گناه و خلاف اندازند.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله به ابن مسعود می‌فرماید: ابن مسعود مواظب باش محبت و دلسوزی به خانواده تو را ورطه گناه و حرام نیندازد.^۲

همچنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: دو گروه در مورد من هلاک شدند، یکی دوستان افراطی که دوستی من آنها را به غیر حق کشاند و دیگری دشمنان افراطی که کینه و دشمنی به من آنها را به غیر حق کشاند.^۳

^۱ فرهودفر ملک، محمدی علی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی صفحه ۲۶۶

^۲ بحار الانوار ج ۷۷ صفحه ۱۰۸

^۳ سید رضی، نهج البلاغه حکمت ۱۱۳

راههای ابراز محبت

بوسیدن

ابراز محبت شیوه های گوناگونی دارد بهترین آنها بغل کردن، در آغوش فشردن، نوازش کردن و بوسیدن فرزند است. دل پاک کودک آینه‌ای است درخشان و اظهار محبت پدر و مادر به فرزند به فرزند خود و به خصوص بوسیدن او آینه روح کودک را جلا می دهد و به طور خلاصه مهرورزی والدین ضامن سلامت روحی و تعادل عاطفی کودک است شاید فلسفه سفارش‌های اکید اسلام به بوسیدن فرزندان نیز در همین نکته مهم نهفته باشد. از امام صادق علیه السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: هر کس فرزند خود را ببوسد خداوند برای او یک نیکویی می نویسد.^۱

آثار اخروی بوسیدن فرزندان نیز بسیار زیاد است و پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: فرزندان خود را ببوسید زیرا هر بوسه رتبه ای در بهشت و فاصله هر رتبه با دیگری ۵۰۰ سال است علاقه و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به فرزندان آن چنان زیاد بود که هیچ گاه پوشیده نمی ماند و گاه در حال سخن گفتن با مردم به فرزندان خود ابراز محبت و علاقه کرده و آنها را مکرر می بوسید.^۲

در آغوش گرفتن و بوسیدن کودک ضروری و اجتناب ناپذیر است همانگونه که کودک برای سلامت جسم نیاز به تغذیه کامل و کافی دارد برای برخورداری از روان سالم نیز به توجه روانی نیاز دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مؤمن دوست خداست و فرزند او هدیه خدا پس هر که خداوند به او فرزندی روزی کرد باید او را زیاد ببوسد.^۳

نوازش

کودکان را باید نوازش کرد و بر سر آنها دست محبت کشید و خوبی های شان را بیان کرده و از آنها تشکر کرد در روش برخورد رسول خدا صلی الله علیه و آله با خانواده می خوانیم که آن حضرت هنگام صبح دست محبت بر سر فرزندان خود می کشید. اگر کودک یا نوجوان و جوان نوازش و محبت را از جانب پدر و مادر احساس کند

^۱ وسائل الشیعه جلد ۱۵ صفحه ۱۹۴

^۲ محمدجواد طیبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، صفحه ۹۲

^۳ محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، صفحه ۳۸۱

نشاط پیدا کرده و به محبت های دروغین دل نمی بندد، آرامش پیدا کرده و احساس شخصیت می کند و از پناه بردن به دامن دیگران دوری می نماید.

هنگام نوازش گلهای زندگی به کار بردن الفاظ خوب و تاثیرگذار آنها را به سوی خوبیهها سوق می دهد خیلی از مطالب را انسان می تواند در قالب پیام های کوتاه هنگام نوازش و دست کشیدن بر سر کودکان به آنها انتقال داده و انتظارات خود را بیان کند.^۱

خطاب نیکو

یکی از راههای احترام و محبت به کودکان آن است که از دوران کودکی آنان را با اوصاف و لقبهای نیکو و شایسته صدا بزنند. اسم و لقب هایی نیکو است که حاکی از مهر و محبت و یادآور خیر و فضیلت باشد. صدا کردن با این قبیل اسمها و لقب ها علاوه بر تشدید روابط مهرآمیز، شخصیت کودکان را به خوب بودن و رشد و کمال، تشویق و تحریک می کند و عظمت خاصی در روح آنان می دهد که آثار نیکوی آن از یاد نخواهد رفت.^۲

پیامبر صلی الله علیه وآله می فرمایند: پیش از آن که لقب های زشت بر فرزندانان غلبه پیدا کند لقب ها و کنیه های خوب برای آنان بگذارید.^۳

بازی

یکی دیگر از راه های اظهار محبت پدر یا مادر این است که با در نظر گرفتن موقعیت سنی کودک و وسایل بازی و سرگرمی متناسبی برای او تهیه کنند. علاوه بر این شایسته است گاهی با کودک همبازی شده یا به درخواست کودک برای همبازی شدن پاسخ مثبت بدهند زیرا مشارکت والدین در بازی فرزندان آثار بسیار نیکویی دارد. بازی بسیار نشاط بخش است، مایه رشد استعدادها و تلطیف عواطف آنان نیز خواهد شد، بازی اگر به قاعده و سالم باشد می تواند تفکر کودک را رشد دهد به همین جهت گفته اند بازی تفکر کودک است.^۴

وفای به وعده

^۱ حسن صدری مازندرانی، تربیت نامه فرهنگ الفبایی و موضوعی تربیت فرزند، صفحه ۷۳۴

^۲ حسن صدری مازندرانی، تربیت نامه فرهنگ الفبائی موضوعی تربیت فرزند، صفحه ۷۳۴

^۳ کنز العمال جلد ۱۶ صفحه ۵۸۴

^۴ محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، صفحه ۹۲

دستور دیگری که اسلام پدران و مادران را بدان موظف ساخته عملی کردن وعده‌هایی است که آنان به فرزندان خود می‌دهند زیرا با عمل نکردن به وعده‌ها، شخصیت فرزندان خویش را تحقیر کرده و به آنان درس دروغ‌گویی می‌دهند و با گفتار بی‌عمل خود سخنانی را هم که در آینده خواهند گفت از پیش بی‌اعتبار می‌سازند. بدون شک این شیوه رفتار با فرزندان در روایات مردود شمرده شده و والدینی که وعده‌های بی‌پایه و اساس به فرزندان خود می‌دهند مورد نکوهش قرار گرفته‌اند.^۱

پیامبر صلی الله علیه وآله می‌فرمایند: کودکان را دوست بدارید و به آنان اظهار محبت کنید پس اگر به آنان وعده‌ای دادید به آن وفا کنید زیرا آنان روزی خود را به دست شما می‌بینند.^۲

زمینه سازی برای رشد استعدادها

در کودکان و نوجوانان استعدادهای فوق‌العاده‌ای نهفته است شکفتن این استعدادها نیازمند زمینه‌سازی است پدر و مادر می‌توانند با زمینه سازی های موثر اجتماعی، رشد استعدادهای کودکان را تسریع بخشند. شیخ صدوق روایت می‌کند: روزی حضرت امیر علیه السلام در مسجد در حین خطابه رو به مردم کرده و فرمودند: از من سوال کنید قبل از آنکه مرا از دست بدهید اما هیچ کس از جای برخواست تا سوالی از آن حضرت بپرسد آنگاه امیرمومنان علیه السلام پس از بجا آوردن حمد و ثنای الهی و درود فرستادن بر پیامبر اسلام نگاهی به امام حسن علیه السلام انداخته و فرمودند: فرزندم حسن برخیز و به منبر برو و سخنی بگو تا قریش پس از من تو را کوچک بشمارند و نگویند حسن چیزی نمی‌داند زمانی که امام حسن علیه السلام نگران از رفتن به منبر بودند امام علی علیه السلام فرمودند: من خود را پنهان ساخته به سخنان تو گوش فرا می‌دهم و تو را در حال خطابه می‌بینم در حالی که تو مرا نخواهی دید. ایشان با این روش سعی در کمک و پرورش استعداد فرزند خویش داشتند.^۳

تشویق

تشویق موجب تقویت روحی فرزندان می‌شود. این کار روحیه تازه‌ای به آنان می‌بخشد تا بتوانند با اعتماد به نفس و پشت گرمی بیشتر کارهای خوب مورد علاقه خود را دنبال کنند و به اهمیت آنها بیش از پیش پی ببرند. تشویق، استعدادهای درونی کودکان را رشد داده و به شکوفایی سوق می‌دهد و زمینه های یأس و ناامیدی و

^۱ محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، صفحه ۹۲

^۲ وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۲۰۱

^۳ محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، صفحه ۱۱۰

بدبینی را در آنها از بین می‌برد. کودک در پرتو تشویق یاد می‌گیرد که مشکلات و سختی‌ها را بر خود هموار ساخته تا هدف مطلوب خود را دنبال کند. تداوم تشویق به تداوم فعالیت‌های رشد دهنده کودک می‌انجامد این کار اگر توسط پدر و مادر و اطرافیان و مربیان انجام گیرد سبب می‌شود کودکان با نظری خوب و خوش بینانه به آنها نگاه کرده و آنها را دوست و همدم و یار صمیمی خود تلقی کنند و این خود ثمرات بسیاری در بر دارد اگر تشویق به‌جا و حکیمانه باشد مسیر زندگی کودک را عوض کرده او را از بد کاری‌ها و انحرافات نجات می‌بخشد باعث ایجاد انگیزش و تحرک در کودکان شده و جو رقابتی خوبی در میان آنها پدید خواهد آورد مهمتر از تشویق، نوع و نحوه تشویق است که باید مد نظر والدین قرار گیرد. تشویق خوب آن است که نه تنها زبانی بلکه عملی باشد و اینکه اصالت پیدا نکند و به سرگرمی مبدل نشود بلکه دقیقاً به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد و تقویت رفتارهای مثبت به کار رود و کودکان به خوبی بدانند برای چه تشویق می‌شوند و چه کاری باید انجام دهند تا مورد تشویق قرار گیرند تشویق خوب آن است که در حضور جمع صورت گیرد نه فقط در خفا و پنهانی.^۱

احترام گذاشتن

از دیگر راه‌های ابراز محبت به فرزندان آن است که به آنها سلام کنیم، برای سخنان آنها ارزش قائل شده و شنونده خوبی باشیم، مقابل دیگران حتی افراد خانواده به شخصیت آنها احترام گذاشته و کودکان را به مجالس و میهمانی‌ها دعوت کنیم و از توجه کردن به آنها حتی در موقع غذا خوردن غفلت نکنیم، به شخصیت شان احترام گذاشته و مانند یک بزرگسال با آنها رفتار کنیم، بزرگی بدهیم تا احساس بزرگی کنند با اقوام و دوستانی که به فرزندان محبت دارند بیشتر محبت کنیم. اگر داستان تعریف می‌کند خوب گوش دهیم و آنجا که می‌خندد با او بخندیم و با او آن چنان رفتار کنیم که احساس ستم نکرده و خود را مظلوم نداند، گمان نکند که مقررات فقط درباره او اجرا شده و والدین آزاد هستند و او در بند، از منحصر به فرد بودن فرزندان ابراز خوشحالی کنیم و در میان جمله‌ها دوست داشتن خود را به او منتقل کنیم.^۲

آثار محبت به فرزندان

نیازهای روحی روانی و معنوی با اهمیت تر از نیازهای مادی هستند زیرا اگر این نیازها تأمین شوند حتی در رشد جسمی کودکان نیز اختلال ایجاد می‌کنند این نیازها چون مادی و جسمی نیستند برای همگان معلوم و

^۱ محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، صفحه ۱۳۲

^۲ احسن صدری مازندرانی، تربیت نامه فرهنگ الفبایی و موضوعی تربیت فرزند، صفحه ۷۳۴

محسوس نبوده و از این رو برخی والدین به این بخش از نیازهای کودکان توجهی ندارند یا کمتر به آن توجه می کنند بنابراین لازم است آثار یکی از این نیازهای روانی که محبت به فرزند است بیان شود تا خانواده ها به آن اهمیت بیشتری بدهند زیرا تأمین این نیازها زمینه ساز تربیت صحیح فرزندان می باشد.

احساس محبوبیت

از همان آغاز، کودک با شیر خوردن از نگاه ها و نوازش های محبت آمیز مادر بهره مند شده و احساس محبوبیت می کند این احساس محبوبیت یکی از ابتدایی ترین اثرات محبت به کودک است و به دنبال آرامش و خواب راحت به دور از اضطراب را برای کودک به دنبال دارد، کودک با دست و پا زدن و تبسم و خنده های آرام، آغوش گرم مادر را طلب کرده و در همین مسیر خوی تبادل محبت در او پایه گذاری می گردد.^۱

رشد عاطفی

توجه و عاطفه که مادر به کودک شیرخوار خود نشان می دهد در رشد او موثر است و این غذای عاطفی اهمیتش از غذای بدنی در رشد کودک کمتر نیست زیرا مهمترین احتیاجات فرد در دوران کودکی احتیاج به مهر و توجه است کودک باید همواره احساس کند که مادر و پدرش او را دوست دارند و حامی او هستند و همین محبت و توجه، محیط روانی آرام و قابل اعتمادی برای کودک فراهم می کند که عامل عمده و موثر در رشد عاطفی او می باشد.^۲

رشد جسمی

روانشناسان معتقدند هرگاه کودک در محیطی آرام و اطمینان بخش رشد کند در حالی که از عطوفت و نوازش والدین و اطرافیان برخوردار باشد در بزرگی دارای رشد کامل جسمی خواهد بود و فردی طبیعی و معتدل می شود در کارها پیشرفت می کند به همین جهت گفته شده تغذیه طبیعی کودک از مادر از نظر اسلام و گواهی علم و دانش، به هر نوع تغذیه دیگری مزیت دارد زیرا در این نوع تغذیه کودک، علاوه بر شیر از عواطف مادری

^۱ محمد جواد طبسی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی، صفحه ۱۴۸

^۲ همان صفحه ۱۴۸

نیز برخوردار می‌شود و این سبب می‌شود که کودک به صورت کامل رشد کند، محبت بر سلسله اعصاب کودک اثر مثبت گذاشته و مانع از اختلال هضم او می‌شود.^۱

اعتماد به نفس

از دیگر آثار محبت به کودک اعتماد به نفس است که از عوامل موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی است زیرا با محبت به کودک وی احساس ارزشمند بودن کرده و اعتماد به خویشتن در چنین فرزندان قوی است. محبت، کودک را از ابتلا به عقده نفسانی و احساس کمبود و حقارت مصون می‌دارد و سبب رشد اعتماد به نفس در این کودکان می‌شود.^۲

تعادل روحی

محبت چون یک نیاز طبیعی است، وجود و عدم آن در تعادل روحی تاثیر فراوانی دارد. کودکی که در محیط گرم محبت پرورش می‌یابد و روانی شاد و دلی آرام و بانشاط دارد به زندگی امیدوار و دلگرم است خود را در این جهان پر آشوب تنها و بی کس نمی‌داند تا تعادل و آرامش نفسانی خویش را از دست بدهد. در پرتو محبت، صفات عالی انسانیت و عواطف و احساسات کودک به خوبی پرورش می‌یابد و نتیجه آن پرورش انسانی متعادل خواهد بود.^۳

محبت به دیگران

کودک وقتی محبت می‌بیند به این ترتیب محبت به دیگران را یاد می‌گیرد. اگر کودکی مورد محبت واقع نشود علاوه بر اینکه دچار اختلالات جسمی و روحی خواهد شد در یادگیری محبت دچار مشکل شده و در آینده در محبت به فرزندان خود و دیگران ناتوان خواهد بود اما کودکی که در محیط سرشار از محبت پرورش یافته باشد می‌تواند این حالت را به محیط بیرون خانه نیز منتقل ساخته و در اجتماع با مردم با مهر و محبت رفتار کند.^۴

^۱ محمد جواد طبسی، فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی، صفحه ۱۴۸

^۲ همان، صفحه ۱۶۸

^۳ همان

^۴ همان

پیشرفت تحصیلی

در یک مطالعه که بر روی کودکان انجام گرفت نشان داد که عامل محبت خانوادگی و سازگاری اعضای خانواده در پیشرفت فرزندان اثر بسیار چشمگیری دارد و سبب پیشرفت تحصیلی آنها می‌شود. فرزندان والدینی که مورد محبت واقع شدند از لحاظ تحصیلی در سطح بالایی قرار دارند و در مدرسه نسبت به همتایان خود عملکرد بهتری داشته و رابطه مقتدر بودن و موفقیت تحصیلی دارند. احساسات مثبت نسبت به مدرسه داشته، صرف وقت بیشتری بر روی تکالیف خود می‌کنند و سطوح پایین تر بد اخلاقی در مدرسه را دارا می‌باشند زیرا محبت، در هوش و پیشرفت تحصیلی فرزندان دخالت دارد. در مطالعه‌ای که بر روی این فرزندان انجام شد، افرادی که در آزمون خودتنظیمی و یادگیری، نمره بالاتری کسب کرده بودند در مصاحبه، نحوه برخورد والدین خود را مطلوب تر ارزیابی نموده بودند.^۱

رشد روانی

محبت والدین به فرزندان و تعامل مطلوب آنها با یکدیگر دارای تأثیرات قابل توجهی بر رشد روانی می‌باشد از جمله این اثرات می‌توان به نحوه مقابله فرزندان با فشارهای مختلف روانی، سلامت روانی، سازگاری با شرایط در حال تغییر، فاصله گرفتن از تعارضات آشکار و پردازش‌های شناختی سطوح بالا از قبیل تفکر و استدلال و خود تنظیم‌گری اشاره کرد.^۲

اعتماد به مربی

با محبت به کودک می‌توان علاقه او را به محبت‌کننده جلب کرد و در نتیجه سبب ایجاد اعتماد و اطمینان بین آنها شده و از او حرف شنوی خواهد داشت و از این طریق زمینه تربیت‌های بعدی فراهم خواهد شد زیرا اصولاً انسان‌ها به ویژه کودکان سر در گرو محبت دارند و محبت‌کننده به خود را دوست می‌دارند و مطیع فرمان او هستند. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: قلب‌های انسان‌ها وحشی است، هر کس به آنها محبت کند به او روی خواهند آورد.^۳

^۱ معاونت پژوهش گروه روانشناسی، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن جلد ۲ ص ۱۴۷

^۲ همان

^۳ وسائل الشیعه جلد ۸ صفحه ۵۱۰

اصولاً انسان برای اینکه بتواند با دیگران و زیردستان رابطه مناسبی برقرار کند لازم است چنین اطمینانی را به آنها بدهد که بتواند حرف های خود را به راحتی مطرح کند و کارهای خویش را با اطمینان و احساس آرامش انجام دهد. کودکان و نوجوانانی که چنین احساس امنیت و آرامشی داشته باشند به راحتی می توانند اعتقادات و اندیشه های خود را ابراز کرده تا اگر والدین یا مربیان نادرستی و اشتباهی در اندیشه و اعتقاد او ببینند اصلاح کرده و اندیشه ها و عقاید صحیح او را تایید کنند. این احساس آرامش که حاصل از محبت است به آنها اجازه ابتکار، خلاقیت و نوآوری می دهد. این حالت سبب شکوفایی استعداد شده و شادابی و نشاط در آنها ایجاد کرده و زمینه سازی استقلال آنها را فراهم می کند.^۱

جلوگیری از انحرافات

با محبت می توان جلوی بسیاری از انحرافات را گرفت زیرا کمبود محبت غالباً یکی از عوامل بسیار قوی است که اطفال و نوجوانان را به سوی بزهکاری سوق می دهد. روان شناسان و متخصصان اطفال که چندین هزار نمونه از جرایم را بررسی کرده اند به این نتیجه رسیدند که بعضی از کودکان به علت اینکه در محیط خانواده خود مورد بی مهری پدر و مادر قرار گرفتند، در واکنش به این کمبود محبت شروع به سرقت یا آزار دیگران کردند.

محبت به کودکان سبب می شود آنها از ابتلا به فساد، دزدی و اعتیاد دور شوند. محبت خصوصاً در مورد دختران سبب تامین نیاز عاطفی شده باعث می شود آنها در مقابل کلمات محبت آمیز جوانان فریبکار فریب نخورده و مفاسد اخلاقی و اجتماعی ایجاد نشود.

بزهکاری ها و ناهنجاری های رفتاری گوناگون از جمله مشکلات جوامع به ویژه جوامع نوین است که حرکت جوامع را کند کرده و هزینه های هنگفتی به آنها تحمیل نموده و در سطح جهانی جهان را در معرض خطر نابودی قرار داده است. در تحلیل و علت یابی این مشکلات معمولاً به آسیب هایی که متوجه روح و روان کودکان است به عنوان یک عامل مهم در شکل گیری بحران اشاره می شود که ریشه در بی محبتی نسبت به کودکان و تربیت عاطفی نامناسب آنها دارد.^۲

تربیت دینی

ستونهای دین الهی بر دوستی حق استوار شده و از این راه تأثیر پذیری انسان چند برابر می شود.

^۱ معاونت پژوهش گروه روانشناسی، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن جلد ۲ ص ۱۶۸
^۲ همان

حضرت علی علیه السلام در ضمن خطبه می فرماید: اسلام دین خدا است که آن را برای خود برگزید و به دیده عنایت خویش پرورید و بهترین آفریدگان خود را مخصوص رساندن آن گردانید و ستون آن را برای دوستی خود استوار نمود.^۱

با توجه به میزان گسترده تاثیر محبت، اولیای الهی از آن بهره های بسیار گرفته اند و آن را محور تربیت قرار داده اند. زیرا انسان به هر چه علاقه پیدا کند به آن متمایل می شود و سعی در همسانی می نماید. حضرت علی علیه السلام می فرماید: نیکبخت ترین مردم آن کسی است که برتری جایگاه ما را بشناسد و به وسیله ما به خدا نزدیک شود و محبت ما را در خود خالص گرداند و بدان که او را فرا خوانده ایم عمل کند و از آنچه او را نهی کرده ایم باز ایستد پس چنین کسی از ماست و در خانه آخرت همراه ما است.^۲

امیر مومنان علی علیه السلام در بیان دیگری می فرماید: هر کس چیزی را دوست بدارد به یاد آن حریص می شود.^۳

آنچه موجبات پیوند را فراهم می آورد و زمینه تربیت را مهیا می سازد محبت است و این روش دقیقاً مورد توجه حضرت قرار گرفته است زیرا محبت چنان انسان را متحول می سازد که هیچ چیز دیگری با آن برابری نمی کند و از سوی دیگر محبت حقیقی به پیامبر اکرم صلی الله و خاندان آن حضرت بهترین عامل برای اصلاح و اتصاف به کمالات است.^۴

^۱ نهج البلاغه خطبه ۱۹۸

^۲ غررالحکم ج ۲ صفحه ۴۶۱

^۳ همان جلد ۵ صفحه ۱۷۷

^۴ معاونت پژوهشی گروه روان شناسی، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن جلد ۲، ص ۱۶۸

نتیجه

محبت به فرزند از طریق مختلف صورت می‌گیرد که در میان آن خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. محبت اگر صحیح و بر مبنای اعتدال باشد می‌تواند منجر به آثار متعددی در زمینه‌های جسمی روانی تحصیلی و اجتماعی در فرزندان شود و در مقابل، عدم محبت و یا محبت ناصحیح منجر به مشکلات فردی و اجتماعی فرزندان در آینده خواهد شد. در اسلام و روانشناسی بر محبت به فرزندان و ابراز آن تاکید شده و محبت خالصانه، عامل تربیت صحیح فرزندان مطرح شده است. خانواده‌ها از مهمترین و اصلی‌ترین کانال‌های ابراز محبت به فرزندان هستند در صورتی که این خانواده‌ها بینشان روابط محبت‌آمیز و سرشار از ایمان و احترام برقرار باشد در ایجاد تاثیرات مثبت محبت به فرزندان موثر هستند و در صورتی که اصول و نکات صحیح تربیتی رعایت شود، فرزندان از آثار محبت بهره‌مند شده و به تبع آن افراد سالم از نظر جسمی و روحی تربیت می‌شوند که وجودشان در فرایند توسعه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی لازم است. این خود عامل مهمی در بهبود روابط اجتماعی آنان می‌باشد.

منابع

- حاجی ده آبادی محمدعلی- ۱۳۹۱- حقوق تربیتی کودک در اسلام- قم- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی زاده سید علی- ۱۳۸۹- تربیت فرزند- قم- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدری مازندرانی حسن- ۱۳۹۵- تربیت نامه فرهنگ الفبایی و موضوعی تربیت فرزند- قم- مشهور
- طبسی محمدجواد- ۱۳۷۶- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(علیه السلام)- قم- دفتر تبلیغات اسلامی.
- قائمی علی- ۱۳۸۴- خانواده و نیازمندیهای کودکان- قم- امیری.
- میریان فردوس، پرچم اعظم- ۱۳۹۵- تأثیر روش فرزندپروری مسئولانه در گسترش معروف و پیشگیری از منکر با تأکید بر محبت و مراقبت.
- معاونت پژوهشی گروه روانشناسی- ۱۳۸۶- تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، جلد ۲- قم- انتشارات موسسه امام خمینی.
- فرهودفر ملک، محمدی علی- ۱۳۸۷- فلسفه تربیت کودک در سیره نبوی- قم- یاس زهرا.
- وفایی مریم، روشن مریم- ۱۳۸۶- بررسی رابطه عوامل پیش بینی کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی ها و اختلال های عاطفی- رفتاری نوجوانان.

